

نارسایی‌های ناظر بر جرم‌انگاری بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایرانیحیی کاظمی‌رمدانی^۱، سید محمود مجیدی^۲، مرتضی براتی^۳**چکیده**

زمینه و هدف: ایجاد و حفظ امنیت ملی از وظایف عمده هر نظام و حکومتی است تا جایی که موفقیت کشورها در حفاظت از این امنیت، معیاری مناسب برای سنجش انسجام و اقتدار کشورها و رفاه شهروندان محسوب می‌شود. قوانین جامع و بدون نقص در حوزه امنیت ملی مهم‌ترین ابزار در مجازات و بازدارندگی جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی است. تأمل در متون قوانین جزایی برای دست‌یابی نارسایی‌های ناظر بر جاسوسی مهم‌ترین هدف این پژوهش محسوب می‌شود.

روش‌شناسی: این تحقیق از نظر نوع از تحقیقات کیفی به شمار می‌رود که پژوهشگر با مراجعه به پایگاه استنادی علمی، مراکز پژوهشی و دانشگاهی و بررسی مقالات علمی در این حوزه اقدام به فیش‌برداری و گردآوری اطلاعات کرده است و سپس با روش توصیفی-تحلیلی نارسایی‌های ناظر بر جرم‌انگاری بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران را با مقایسه برخی قوانین حقوقی در دیگر کشورها بررسی می‌کند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که در ارتباط با رکن قانونی، وجود ابهام‌های تقنینی در مصادیق جاسوسی، تفکیک‌نکردن جاسوسی از خیانت به کشور و استفاده از قیود متعدد و غیرضرور در زمره این نارسایی‌هاست. در ارتباط با ارکان مادی و روانی نیز می‌توان به ترتیب به تحدید موضوع جاسوسی و شمول‌نشدن آن به جنبه‌های جدید امنیتی و نیز تقید جرم‌انگاری به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه اشاره کرد. با توجه به نارسایی‌های بالا و نیز حمایت‌نکردن کیفری کامل مقنن از منافع حیاتی و محوری مردم، پیشنهاد نگارنده همانا لزوم توجه قانون‌گذار به ضرورت توسعه دامنه جرم‌انگاری این جرم به جنبه‌های نوین اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی امنیت و نیز گسترش موضوع آن به مطلق اطلاعات و اشیاء است.

کلیدواژه‌ها: جاسوسی، جرم‌انگاری ابهام‌زا، جرم علیه دولت، سیاست کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد دامغان (Kazemiyahya6@gmail.com).

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق دانشگاه دامغان (majidi@du.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه آزاد دامغان (mortezabarati@chmail.ir).

مقدمه

حقوق کیفری به عنوان هسته مرکزی سیاست جنایی، در چند دهه اخیر با شکل گیری اشکال نوین بزه کاری و ناکارآمدی رویکردهای اصلاح و درمان و تحت تأثیر جنبش های بازگشت به کیفر، به سمت رویکردهای امنیت مدار سوق پیدا کرده است. این امر با ورود جهان به هزاره سوم و شکل گیری حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا و حوادث تروریستی دیگر به صورتی روبه متداول، نمود پیدا کرده است. جهت گیری های جدید سیاست جنایی و به طور خاص تری حقوق کیفری با محوریت قرار دادن امنیت، از طریق تصویب قوانین سخت گیرانه، توسعه قلمرو جرم انگاری، کاهش تضمین های دادرسی و اعطای اختیارات فراوان به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی کردن و خطرمداری سوق می دهد. بازتاب رویکردهای امنیت دار در عصر حاضر باعث می گردد تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد (لازرژ، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

نظام حقوق کیفری با هدف حفاظت و حمایت از ارزش های اساسی و مورد قبول جامعه با تبیین رفتارهای خلاف و معارض قواعد و هنجارها، اعمال مجرمانه و منحرفانه را تعیین و مشخص می کند. سیاست جنایی هر جامعه می باید برای جرم انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدام های افراد که تا پیش از این مباح تلقی می شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. رسالت حقوق کیفری و اعمال و اجرای مجازات همواره در گرو جرم انگاری است که اگر فرایند جرم انگاری در چارچوب معقول و مورد قبول جامعه صورت بگیرد، می توان سیاست تقنینی کیفری را در راستای جرم انگاری، موفق ارزیابی کرد و همگان به این مسئله که حمایت کیفری از ارزش های

مورد قبول آنها، حمایتی شایسته و بایسته است، متفق‌القول می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۵۶) حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه با عنوان جرم‌انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شود و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدودکردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت‌مدار پیش می‌آید (هوساگ، ۱۳۹۰: ۳۲۶).

در حقوق جزا ما با دو نوع سیاست کیفری روبه‌رو هستیم. از سویی سیاست کیفری عدالت‌محور (شهروندمدار) قرار دارد و از سویی دیگر و در مقابل آن، سیاست کیفری امنیت‌گرا (حداکثری، امنیت‌مدار، توسعه‌طلب) قرار دارد. در سیاست کیفری عدالت‌محور، اصل بر محدودیت قلمرو مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی آنهاست و در سیاست کیفری امنیت‌گرا که در چند دهه اخیر با مداخله روزافزون دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد و گسترش مسئولیت فردی به منصفه ظهور رسیده است؛ غایت ظاهری، حاکمیت امنیت به بهانه از بین رفتن و خدشه به حقوق بشر است (توجهی و اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۷).

باوجود ضرورت‌های جدید تقنینی، حمایت کیفری جامعی در سیاست کیفری ایران از جنبه‌های مختلف امنیت، خواه در فضای واقعی و خواه در فضای مجازی مشاهده نمی‌شود. از یک طرف جرم‌انگاری جنبه‌های جدید جاسوسی به مانند جاسوسی اقتصادی، صنعتی و علمی در فضای واقعی با خلأهای مهمی روبه‌روست و از طرف دیگر در فضای مجازی نیز- باوجود تصویب قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲-جامعیت کاملی در مقررات ناظر بر حمایت از اسرار تجاری و صنعتی مشاهده نمی‌شود.

افزایش مجازات، راه‌کار اصلی و سنتی دولت‌ها در مقابله با ازدیاد جرائم مهم در جامعه بوده است. تحولات دهه‌های اخیر حقوق کیفری در قبال جرائم مهم علیه امنیت و نظم عمومی نشان می‌دهد که کشورها با تکیه بر چه فنونی، سیاست کیفری سرکوب‌گرانه‌ای را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. فنونی که مرکز ثقل خود را استفاده از

ظرفیت درونی حقوق کیفری در مبارزه با این گروه از جرائم قرار داده و سیاست کیفری ایران در قبال بزه جاسوسی کمترین استفاده را از آنها کرده است. باتوجه به این مهم، مسئله این است نارسایی‌های ناظر بر جرم‌انگاری بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران کدام‌اند؟

مبانی نظری

پیشینه پژوهش

بزه جاسوسی در برخی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها مورد بحث واقع شده است. از جمله تحقیقات صورت گرفته که به تشریح ارکان مجرمانه جرائم علیه امنیت و از جمله جاسوسی در قلمرو قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پرداخته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

برخی از نویسندگان به تشریح ضوابط حاکم بر جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی پرداخته و ارکان بزه جاسوسی را نیز به مانند سایر جرائم علیه امنیت مورد بررسی قرار داده‌اند. در این زمینه می‌توان کتاب‌هایی نظیر

۱. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مؤلف: میرمحمد صادقی، حسین، چاپ چهاردهم، نشر میزان، ۱۳۸۸؛

۲. جاسوسی و خیانت به کشور، مؤلف: ساریخانی، عادل، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸؛

۳. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، مؤلف: پیمانی، ضیاءالدین، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۷۹؛

۴. جرائم علیه مصالح عمومی، مؤلف: مجیدی، سیدمحمود، نشر میزان، ۱۳۹۹ را به عنوان نمونه مورد اشاره قرار داد.

برخی دیگر از نویسندگان نیز به تشریح ارکان مجرمانه و تحولات جرائم نیروهای مسلح و از جمله جاسوسی اقدام کرده‌اند که می‌توان به

۱. شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مالمیر، محمود، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۸؛

۲. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی، یزدانیان، محمدرضا، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۰؛

۳. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی، ایرج گلدوزیان، سلمان کونانی و محمدرضا محمدی، نشر جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۱ اشاره کرد. کتاب‌های یاد شده به مصادیق جاسوسی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پرداخته و به صورت پراکنده در مواردی به رویکردها و نیز تغییرهای قانون جدید مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرده‌اند.

برخی دیگر از نویسندگان نیز سیاست‌های کیفری حاکم بر جرائم علیه امنیت و به‌ویژه جاسوسی را در حقوق کیفری ایران و فرانسه هم از جهت ماهوی و نیز شکلی مورد بررسی قرار داده‌اند که کتاب حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی جرائم علیه امنیت، مؤلف: مجیدی، سید محمود، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۳ را می‌توان در این زمینه معرفی کرد.

باوجود منابع ارزشمند ذکرشده، هیچ‌کدام به آسیب‌شناسی بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران به‌صورت مستقل اختصاص نیافته و از این رو انجام پژوهش حاضر می‌تواند زمینه ارتقای سیاست کیفری تقنینی ایران را در قبال جرم جاسوسی فراهم آورد. ولی آنچه این تحقیق را متمایز می‌سازد، بررسی بزه جاسوسی با محوریت آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران به‌منظور برخورد و مقابله کارآمد و مؤثر با مرتکبان آن است.

(ب) روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر با تکیه بر روش کتابخانه‌ای است و سعی شده با مطالعه کتب و مقالات حقوقی، نواقص و ابهام‌های قوانین جزایی کشور در حوزه جاسوسی مشخص و راه‌کارهای مناسبی برای مرتفع‌ساختن آنها ارائه گردد. عمده کار پژوهش حاضر، از منظر روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای با مراجعه مستقیم به منابع علمی مرتبط و همچنین استفاده از تجربیات استادان محترم دانشگاه و قضات دادگستری است. با عنایت به روش تحقیق و گردآوری اطلاعات و نیز ارائه برخی پیشنهادهای اصلاحی برای مرتفع‌ساختن مشکلات تقنینی و قضایی موجود، کاربردی است.

سعی نگارنده بر آن بوده که در مقام تحلیل ایرادات فوق‌الذکر و در راستای ارائه پیشنهادات اصلاحی، به رویکرد برخی از کشورها همچون فرانسه نیز اشاره‌ای مختصر شود. در واقع تنها در قالب یک مطالعه تطبیقی است که می‌توان امتیازات و نارسایی‌های سیاست کیفری یک کشور را در قبال جرم خاصی مشاهده نمود.

باتوجه به مطالب فوق‌الذکر در ابتدا سعی می‌شود تا با تشریح مفاهیم اصلی این پژوهش، زمینه ورود به مباحث اصلی این پژوهش فراهم شود. محور اصلی مقاله آسیب‌شناسی سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال جاسوسی است که در قالب پنج قسمت اصلی شامل ابهام‌های تقنینی، عدم جامعیت جرم‌انگاری جاسوسی، عدم تاثیرگذاری جایگاه و موقعیت افراد بر مجازات مرتکبین، عدم جرم‌انگاری معاونت در جرم به شکل مستقل و بهره‌مندی مرتکبان جاسوسی از نهادهای ارفاقی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در ابتدا به اختصار مفهوم واژه‌هایی که در موضوع مقاله دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و برای فهم دقیق متن نیز ضروری است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. واژگانی که بیشترین تغییر مفهومی را در دهه‌های اخیر به خود دیده‌اند. بررسی این تحولات مفهومی می‌تواند میزان انطباق متون قانونی را با تحولات مفاهیم یاد شده روشن سازد.

۱- جاسوسی: بررسی و تعریف جاسوسی^۱ می‌تواند از بررسی لغوی و اصطلاحی جاسوسی آغاز گردد. در برخی از فرهنگ‌های لغت، جاسوسی به معنای جستجو کننده خبر، اطلاع‌دهنده اسرار و نیز فردی که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری را مخفیانه جمع‌آوری کرده و به شخص، مؤسسه و یا کشور دیگری اطلاع می‌دهد اطلاق شده است (عمید، ۱۳۸۴: ۶۶۷) در برخی از فرهنگ‌های حقوقی نیز جاسوسی شامل مراحل جستجو، تسلیم و تخریب اسراری دانسته شده است که به نفع کشور خارجی و به ضرر دفاع ملی انجام شود (Cornu, 1992: 403) علاوه بر این از نظر حقوق بین‌الملل عمومی نیز جاسوس به کسی اطلاق شده است که به صورت محرمانه و یا با عناوین نادرست و جعلی، به نفع دشمن در صدد تحصیل اطلاعات از

نقشه و قوای طرف مقابل و مقاصد او برآید (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۴۲۴).

معاهده ۲۹ معاهده ۱۹۰۷ لاهه نیز درباره جاسوسی بیان کرده است که جاسوسی تنها در مورد کسی که به صورت مخفیانه و تحت پوشش‌های غیرواقعی، اخبار و اطلاعات را به غرض رساندن به دشمن در مناطق جنگی جمع‌آوری کرده صادق است (گارو، ۱۳۷۴: ۶۹۴) محدودیت تعاریف ارائه شده به زمان جنگ و یا معلومات خاص سیاسی و امنیتی مورد انتقاد برخی از حقوق‌دانانی قرار گرفته است که با توجه به ضرورت‌های قرن فعلی، معنای وسیع‌تری را از جاسوسی مورد نظر قرار داده‌اند (الاعظمی، ۱۹۸۱: ۱۶) به همین دلیل گروه اخیر جاسوسی را شامل مطلع‌ساختن، افشای خبر و یا هر امری که اقدام به آن برای منافع اساسی یک کشور ضرر بار بوده باشد، تشخیص داده‌اند، خواه از داخل و یا خارج انجام شده باشد و یا به جهت نفع شخصی و یا بدون آن صورت گیرد (همان: ۱۷).

بنابراین بسته به اینکه تعریف مورد نظر قانون‌گذار از جاسوسی، مضیق و یا موسع باشد، مصادیق و شرایط قانونی آن نیز می‌تواند محدود و یا گسترده ارزیابی گردد. انتخاب هر کدام از تعاریف می‌تواند پرسش‌های محوری را در زمینه جرم جاسوسی به صورت متفاوتی پاسخ گوید. پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا مصادیق جاسوسی محدود به جمع‌آوری و تسلیم اطلاعات و اسرار بوده و یا مصادیق دیگری را نیز در این زمینه شامل می‌گردد؟ آیا موضوع جاسوسی فقط اطلاعات و اسرار است و یا اموال مادی و غیرمادی دیگری را هم شامل می‌شود؟ آیا مقصود از اطلاعات و اسرار تنها محدود به حوزه‌های سیاسی و امنیتی بوده و یا شامل زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز می‌شود؟ تفکیک جرائم جاسوسی و خیانت به کشور با تکیه بر کدام معیار مورد پذیرش خواهد بود؟ تنها زمانی قابل پاسخ‌گویی خواهد بود که قانون‌گذار رویکرد صریح خود را در این زمینه‌ها، در قالب متون قانونی تبیین کند و از بروز اختلاف نظرات حقوقی در نزد رویه قضایی و نیز دکترین حقوقی بکاهد.

۲- امنیت: امنیت^۱ که در زمره حیاتی‌ترین هدف و بالاترین منفعت تمامی جوامع به شمار می‌آید، به دلیل واضح بودن معنای آن، ارائه تعریف درباره آن مشکل شده است. برخورداری از وضعیتی ایمن و مطمئن در برابر خطرها و تهدیدها و نیز احساس امن و رهایی از اضطراب و دغدغه خاطر، تعبیری است که برخی از فرهنگ‌های حقوقی درباره امنیت ذکر کرده‌اند (Cornu, op.cit: 403) این تعبیر نشان می‌دهد که این اصطلاح می‌تواند شامل حالت‌ها و وضعیت‌های کاملاً ذهنی (احساس امنیت و راحتی) تا موقعیت‌های کاملاً بیرونی و عینی (دارا بودن موقعیتی ایمن و مطمئن) باشد. (مندل، ۱۳۷۷: ۴۴). از نظر لغوی نیز به معنای نبودن ترس و خوف و از ریشه «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است (طریحی، ۱۴۲۱: ۱۱۵).

پیچیدگی مفهومی امنیت، زمانی خود را آشکار می‌سازد که آن را در ارتباط با خطرها و تهدیدهایی که بخش‌های مختلف امنیت با آن مواجه است، بررسی کنیم. با توجه به اینکه خطرها و تهدیدها در جهان امروز دچار تغییرهای اساسی شده‌اند، جلوه‌های دیگر از امنیت نیز خود را مطرح کرده است. از این‌روست که امروزه، در کنار امنیت سیاسی و نظامی با مفاهیمی چون امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و نیز امنیت قضایی مواجه هستیم (David et Roche, 2002: 11).

۳- جرم‌انگاری: جرم‌انگاری^۲ از لحاظ لغوی مرکب از دو جزء که عبارت‌اند از «جرم» و «انگاری» است. «جرم» از نظر لغوی به معنای گناه و خطاست. «انگاری» نیز به معنای پنداشتن و تصور کردن و تلقی کردن است (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۷ و ۱۶: ۲۱۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۳۶۰). تعریف جرم نیز در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. اصطلاح جرم‌انگاری در برخی فرهنگ‌های حقوقی، اعلان مجرمانه عملی است که تا پیش از این وصف مجرمانه نداشته است. از طرف دیگر از دیدگاه جرم‌شناختی، جرم‌انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی فعل و یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن

1. La sécurité.

2. Criminalization

رفتارهای جدید، به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می‌شوند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۷۶).

تعریف دیگری را نیز می‌توان در این زمینه ذکر کرد که علاوه بر تعریف جرم‌انگاری، به عوامل تأثیرگذار بر آن نیز اشاره‌ای دارد. در این دیدگاه جرم‌انگاری فرایندی گزینشی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و یا ضرورت‌های دیگر، بر پایه مبناي نظری مورد قبول خود رفتاری را ممنوع و یا الزام‌آور می‌کند و برای حمایت از آن ضمانت اجرای کیفری قرار می‌دهد. (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۴). تأکید تعاریف بالا، بر گزینشی و فرایندبودن جرم‌انگاری نشان از وجود مسائل پُراهمیتی دارد که قانون‌گذار باید در هنگام تصمیم‌گیری در این زمینه به آن توجه کند. از مهم‌ترین نکات موجود در این زمینه آن است که قانون‌گذار باید در مورد اعمالی اعلان جرم کند که بعد از تصویب، مورد پذیرش همگان قرار گیرد و مجریان قانون نیز نسبت به اجرای آن قانون اقتناع وجدانی شوند.

صراحت‌های تقنینی: بررسی مفاهیم جاسوسی، امنیت، جرم‌انگاری و نیز جرائم علیه امنیت نشانگر تحولات همچنین لزوم توجه به نکات ارزشمندی است که امروزه باید در هنگام تدوین مقررات مربوطه، آنها مورد ملاحظه قرار داد. از طرف دیگر تحقق سیاست کیفری سنجیده و کارآمد منوط به رعایت فنی است که باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. لزوم صراحت‌های تقنینی است که می‌تواند از یک طرف سیاست‌های مورد نظر مقنن را به مخاطبان منتقل و از طرف دیگر به رعایت اصل قانونمندی جرائم و مجازات‌ها کمک شایانی کند همچنین زمینه بروز صدور آرای قضایی در موضوع‌های مشابه را منتفی سازد. گسترش موضوع جاسوسی و عدم تحدید آن به اطلاعات طبقه‌بندی شده و نیز توجه به منافع اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی در کنار منافع سیاسی و نظامی در هنگام جرم‌انگاری نیز می‌تواند زمینه حمایت حداکثری از جنبه‌های مختلف امنیت را فراهم سازد.

امروزه جرم‌انگاری مستقل معاونت جرائم علیه امنیت و به‌ویژه جاسوسی نیز روش بسیار کارآمدی است که به مبارزه جدی با افرادی می‌پردازد که همواره زمینه بروز جرائم جاسوسی را از طریق تسهیل یا تحریک فراهم می‌سازند ولی به دلیل نداشتن مباشرت در آن جرائم از شمول جرم‌انگاری قانون‌گذار خارج هستند. در شیوه تدوین مقررات ناظر بر جرائم علیه امنیت به مانند جاسوسی نیز لازم است نکته مهمی مورد توجه قرار گیرد. به میزانی که قیود متعدد تقنینی در متون قانونی ناظر بر جرائم وجود داشته باشد، اعمال مجازات‌های مربوطه با مشکلات متعدد مواجه خواهد شد.

سیر تحولات صورت گرفته در جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت نشان می‌دهد که هرچند در دوران حقوق قدیم میزان خطرآفرینی علیه «شخص حاکم، خانواده و نزدیکان وی» اهمیت ویژه‌ای داشته است ولی در حقوق معاصر مؤلفه‌هایی نظیر خطرآفرینی علیه «امنیت داخلی و خارجی» و نیز «منافع اساسی ملت»، معیار و ملاک اساسی جرائم علیه امنیت محسوب می‌گردد. این سیاست کیفری که مبتنی بر تفکیک دولت و منافع اساسی آن از حاکمان و منافع آنان است، ترجیح خود را در قلمرو جرائم علیه امنیت، در پاسخ‌گویی به رفتارهایی می‌داند که برای منافع اساسی دولت زیان‌بار بوده باشد، هرچند که نسبت به لطمات نسبت به مقامات سیاسی مسئول نیز با تعیین پاسخ‌های کیفری معتدل ابراز بی‌تفاوتی نمی‌کند. بررسی مواد قانونی ناظر بر بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران بیانگر چنین رویکردی است. این در حالی است که امروزه به دلیل بروز جنبه‌های جدید امنیتی لازم است که نوع نگرش به جرم‌انگاری این اعمال متفاوت باشد به نحوی که دامنه شمول آن زمینه‌های مختلف منافع اساسی ملت نظیر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و... را تأمین کند (مجیدی، ۱۳۹۳: ۴۶).

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می‌رسد سیاست کیفری ایران از جنبه‌های مختلف در زمینه مبارزه با این جرم، دچار ایرادات و نارسایی‌های مختلف و متعددی شده است. عدم انطباق سیاست کیفری ایران با تحولات نوین جاسوسی شامل ارکان سه‌گانه این جرم و نیز پاسخ‌های کیفری تعیین شده است. در ارتباط با رکن قانونی، وجود ابهام‌های تقنینی در مصادیق جاسوسی، تفکیک‌نشدن جاسوسی از خیانت به کشور و استفاده از قیود

متعدد و غیرضرور در زمره این نارسایی‌هاست. در ارتباط با ارکان مادی و روانی نیز می‌توان به ترتیب به تحدید موضوع جاسوسی و شمول‌نشدن آن به جنبه‌های جدید امنیتی همچننن تقید جرم‌انگاری به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه اشاره کرد. با توجه به نارسایی‌های گفته شده و نیز حمایت‌نکردن کیفری کامل مقنن از منافع حیاتی و محوری مردم، پیشنهاد نگارنده همانا لزوم توجه قانون‌گذار به ضرورت توسعه دامنه جرم‌انگاری این جرم به جنبه‌های نوین اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی امنیت و نیز گسترش موضوع آن به مطلق اطلاعات و اشیاء است. از طرف دیگر عدم تقید جرم‌انگاری جاسوسی به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه و نیز ارائه تعریف یا احصای مصادیق جاسوسی می‌تواند سروسامانی نسبی را به مقررات مربوطه اعطاء کند.

برخی از نارسایی‌های ناظر بر جاسوسی در حقوق کیفری ایران.

۱. **ابهام‌های تقنینی:** یکی از اصولی اساسی که در نظام‌های مختلف حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و به فلسفه وجودی وضع و تصویب قوانین جزایی، معنا می‌دهد «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»^۱ است. امروزه در راستای چنین اصلی صحبت از «اصل کیفی بودن جرم» می‌شود که یکی از آثار مهم آن همانا لزوم شفافیت متون قانونی است (فلچر، ۱۳۸۴: ۳۴۴). علاوه بر این اصل کلی در حقوق جزای امروز مبتنی بر صراحت و شفافیت قانون است تا جایی برای تفسیر موسّع از سوی مجریان قانون باقی نماند. از این روست که استفاده از الفاظ تقنینی مبهم در متون قانونی، از روش‌هایی است که می‌تواند زمینه جرم‌انگاری حداکثری را فراهم سازد. استفاده و اعمال این شیوه سبب می‌شود تا مجریان قانون با توجه به ابهام‌های تقنینی موجود، برداشت و تفسیر خود را در تطابق ماده قانونی با رفتار ارتكابی اعمال کنند. تحقق این امر منجر به گسترش مداخله دستگاه قضایی در قلمرو آزادی و حقوق و امنیت افراد شده و بر همین اساس شیوه مذکور را می‌توان خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دانست (Pradel et Danti – Juan, 2001: 763).

1. Le principe de la légalité.

یکی از ایرادهای مهم در زمینه جرم جاسوسی شفاف نبودن مصادیق آن است که موجب اختلاف نظر شدید حقوق دانان شده است (زراعت، ۱۳۹۰: ۷۸)؛ علاوه بر این از دیدگاه برخی حقوق دانان تصویب قوانین عام با دامنه شمول بسیار وسیع به هیچ وجه مطابق مصالح کشور، دولت و ملت نیست (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۲۱۳)؛ در ادامه به برخی از ابهام‌های مهم در این زمینه اشاره می‌شود.

الف) ابهام در تعریف و مصادیق جاسوسی: در برخی از فرهنگ‌های لغت، جاسوسی به معنای جستجو کننده خبر، اطلاع‌دهنده اسرار و نیز فردی که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری را مخفیانه جمع‌آوری کرده و به شخص، مؤسسه و یا کشور دیگری اطلاع می‌دهد اطلاق شده است (عمید، ۱۳۸۴: ۶۶۷) در برخی از فرهنگ‌های حقوقی نیز جاسوسی شامل مراحل جستجو، تسلیم و تخریب اسراری دانسته شده است که به نفع کشور خارجی و به ضرر دفاع ملی انجام شود (Cornu, 1992: 403).

سیاست کیفری ایران درباره نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور نیز فاقد شفافیت لازم است. به همین دلیل در حالی که برخی از نویسندگان حقوقی به دلیل اشاره نکردن قانون‌گذار به عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت امکان‌پذیر ندانسته‌اند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۶۸ و شامبیانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)، برخی دیگر از حقوق دانان، مصادیق مختلفی از جرائم علیه امنیت همچون طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۳۴۸).

مطالعه سیاست کیفری ایران در قبال جرم جاسوسی نشانگر آن است که قانون‌گذار در زمینه مهم‌ترین مسائل مربوط به این جرم غیرشفاف و مبهم عمل کرده است. سیاستی که سبب بروز اختلاف در حیطه و شمول این جرم در میان جامعه حقوقی کشور شده است. اختلاف‌های نظری که به دلیل این ابهام‌ها، در میان حقوق دانان و رویه قضایی وجود دارد، تنها محدود به یک دسته از موضوع‌های جزئی نیست، بلکه پیرامون

مصادیق جاسوسی و یا ارکان مادی و معنوی آن نیز اختلاف‌نظرهای متعددی وجود دارد. اختلاف‌نظرهایی که جایگاه اصل کیفی بودن قوانین کیفری (لزوم صراحت و شفافیت متون قانونی) را درباره این جرم مهم مورد مخاطره قرار می‌دهد. نخستین اختلاف محوری مربوط به مصادیق جاسوسی در حقوق کیفری ایران است. از آنجا که قانون‌گذار هیچ‌گونه تقسیم‌بندی را در زمینه مقررات مربوط به جرائم علیه امنیت مطرح نکرده، درباره برخی از جرائم علیه امنیت همواره این پرسش وجود دارد که آیا این موارد به عنوان مصادیقی از جرائم جاسوسی قابل پذیرش هستند یا خیر؟ به همین دلیل است که برخی از حقوق‌دانان ایرانی، همکاری با دول خارجی متخاصم (موضوع ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی) را - به تبعیت از مصادیق پذیرفته شده جاسوسی از سوی قوانین جزایی سایر کشورها - مصادیقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۹۲: ۴۶) و برخی دیگر از حقوق‌دانان، بزه مزبور را تنها به‌عنوان یکی از جرائم علیه امنیت مطرح کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

ب) ابهام در تفکیک جاسوسی از جرائم نزدیک: ابهام‌های متعدد تقنینی در مباحث مهم و محوری جاسوسی در حقوق کیفری ایران قابل مشاهده است. وجود این ابهام‌ها زمینه بروز اختلاف دیدگاه در مورد مباحث اصلی و محوری این جرم را در بین حقوق‌دانان و مجریان قانون پدید آورده است.

ابهام در تفکیک جاسوسی از خیانت به کشور: سیاست کیفری ایران درباره نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور نیز فاقد شفافیت لازم است، به همین دلیل در حالی که برخی از نویسندگان حقوقی به دلیل اشاره نکردن قانون‌گذار به‌عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت امکان‌پذیر ندانسته‌اند (شامبیانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) برخی دیگر از حقوق‌دانان مصادیق مختلفی از جرائم علیه امنیت همچون طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

سیاست کیفری ایران درباره نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور نیز فاقد شفافیت لازم است. به همین دلیل در حالی که برخی از نویسندگان حقوقی به دلیل اشاره نکردن قانون‌گذار به عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت امکان‌پذیر ندانسته‌اند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۶۸ و شامبیانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)، برخی دیگر از حقوق‌دانان، مصادیق مختلفی از جرائم علیه امنیت همچون طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۳۴۸).

این در حالی است که در برخی از کشورها به مانند فرانسه به شکل صریح جرائم یاد شده از سوی قانون‌گذار تفکیک شده‌اند. در همین راستاست که ماده ۱-۴۱۱ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد:

«اعمال ارتكابی تبیین شده در مواد ۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱ خیانت به کشور خواهد بود زمانی که یک فرانسوی و یا یک نظامی در خدمت نیروهای مسلح آن را مرتکب شود و در صورت انجام آن توسط سایر افراد عنوان جاسوسی محقق خواهد شد»^۱.

قانون‌گذار فرانسه با بیان بالا دو کار عمده را در این زمینه انجام داده است. نخست آنکه با کنار نهادن معیارهای ذهنی^۲ و عینی^۳ متمایل به دیدگاهی شده که مدت‌ها مورد انتقاد شدید نویسندگان این کشور بوده است (کارو، بی‌تا: ۷۱۴). دیدگاهی که با معیار قرار دادن «ملیت»^۴ مرتکب، جرائم جاسوسی و خیانت به کشور را به راحتی از یکدیگر تفکیک می‌کند و به دلیل سادگی ضابطه انتخابی و نیز آسان بودن اجرای آن، طرفداران زیادی را به‌تازگی به خود متمایل کرده است (Leclerc, 1994: 223).

1. N.C.P. art 411-1: «Les faits définis par les articles 411-2 à 411-11 constituent la trahison lorsqu'ils sont commis par un Français ou un militaire au service de la France et l'espionnage lorsqu'ils sont commis par toute autre personne.»

۲. دیدگاهی که در مقام تفکیک جاسوسی از خیانت به کشور بر عنصر روانی و درونی مرتکب تکیه می‌کند. قصد مرتکب هرگاه ایراد ضرر به امنیت کشور باشد خیانت به کشور محقق شده است و هرگاه قصد وی رسیدن به منافع نفسانی باشد جاسوسی به وجود آمده است.

۳. دیدگاهی که در مقام تفکیک جرائم ذکر شده بر رکن مادی مرتکب تأکید می‌کند. تفحص و جستجوی اسرار و اطلاعات رکن مادی جاسوسی و تسلیم اطلاعات رکن مادی خیانت به کشور خواهد بود.

3. Nationalité.

ابهام در تفکیک جاسوسی از جرائم مرتبط با آن: ابهام‌های تقنینی در زمینه بزه جاسوسی زمانی افزایش می‌یابد که قانون‌گذار در سیاست کیفری خود تحقق برخی از جرائم مرتبط با جاسوسی را - به مانند موضوع مواد ۵۰۲ و ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی - نیز موکول به تحقق جاسوسی کرده است. در واقع با آنکه قانون‌گذار رویکرد خود را در زمینه تعیین محدوده جرم جاسوسی از طریق ارایه تعریف یا احصای مصادیق آن مشخص نکرده است، تحقق برخی دیگر از جرائم علیه امنیت را موکول به تحقق مصادیق جاسوسی کرده است. ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی نمونه‌ای از چنین سیاست کیفری است که چنین مقرر کرده است: «هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها شود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود»

۲. عدم جامعیت جرم‌انگاری جاسوسی: در این قسمت با طرح مباحث جداگانه باعنوان به‌کارگیری قیود متعدد و مبهم، عدم شمول نسبت به جنبه‌های مختلف امنیت، عدم شمول موضوع جاسوسی در مواد قانونی مربوطه و حمایت‌نکردن از بخش خصوصی و اسرار تجاری به‌عنوان افعال زیان‌بار جدید در حوزه جرائم امنیتی، میزان جامعیت قانون در حوزه جرم جاسوسی بررسی و راه‌کارهای لازم در این زمینه ارائه شده است.

الف) تحدید جرم‌انگاری با به‌کارگیری قیود متعدد تقنینی: یکی دیگر از راه‌کارهای توسعه‌دهنده دامنه جرم‌انگاری جرائم می‌تواند استفاده مقنن از کمترین قیود برای توصیف عمل مجرمانه باشد. در واقع در این روش ضمن بهره‌مندی از جامعیت مطلوب متون تقنینی، مقنن بر آن است تا دامنه جرم‌انگاری جرم را با اجتناب از به‌کارگیری قیود متعدد با محدودیت مواجه نسازد.

سیاست کیفری ایران در این زمینه در مواردی قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد. برای مثال به‌کارگیری قیود متعدد در تدوین ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی دامنه جرم‌انگاری این جرم را بسیار محدود کرده است. نخست آنکه در حقوق کیفری ایران ارتکاب این جرم به تصریح مقنن به مأموران دولتی که ارتباط استخدامی با دولت داشته و نیز

مسئول حفاظت اطلاعات بوده‌اند، محدود گردیده است. دوم آنکه قانون‌گذار تحقق بی‌مبالاتی از سوی مرتکب جرم را برای تحقق عمل مجرمانه کافی ندانسته بلکه لازم است که مأمور دولتی از سوی گیرنده اطلاعات مورد تخلیه اطلاعاتی واقع گردد و سوم آنکه انجام تخلیه اطلاعاتی نیز لازم است از سوی دشمن صورت گرفته باشد. پُر واضح است که به‌کارگیری چنین قیود متعددی تا چه میزان می‌تواند دامنه وقوعی این جرم را محدود کند. این در حالی است که قانون‌گذار در ماده ۲۷ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تحقق این جرم از سوی نظامیان را محدود به تخلیه اطلاعاتی از سوی دشمنان نکرده و دامنه وقوعی این جرم را توسعه داده است.

در این باره مثال دیگری را نیز می‌توان در حقوق کیفری فرانسه مطرح کرد. «همدستی با یک قدرت خارجی» نیز به‌عنوان یکی از مصادیق جاسوسی در ماده ۴-۱۱۱ مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون‌گذار فرانسه در این زمینه مقرر کرده است: «همدستی با یک قدرت، شرکت، سازمان و مؤسسه خارجی و یا تحت کنترل خارجی و یا عوامل آنها به قصد ایجاد دشمنی یا به قصد انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه فرانسه دارای مجازات تا ۳۰ سال حبس جنایی و نیز تا ۴۵۰ هزار یورو جزای نقدی خواهد بود»^۱

بیان مقنن در ماده فوق‌الذکر سبب گردیده تا شمول جرم مزبور شامل هر فرد یا گروهی شود که علیه منافع کشور فرانسه اقدام به هم‌دستی با هر سازمان یا مؤسسه و یا قدرت خارجی کند. گستردگی این وضعیت را می‌توان در مقایسه با سیاست کیفری ایران در وضع ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی به خوبی مشاهده کرد. به‌کارگیری دو قید «دولت» و «متخاصم» در تدوین ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی در این زمینه بسیار مهم ارزیابی می‌گردد. از یک طرف به‌کارگیری اصطلاح «دولت» سبب می‌شود تا

1. N.C.P. art 411-4: «Le fait d,entretenir des intelligences avec une puissance étrangère, avec une entreprise ou organisation étrangère ou sous contrôle étranger ou avec leurs agents, en vue de susciter des hostilités ou des actes d,agression contre la France, est puni de trente ans de détention criminelle et de 450 000 euros d,amende.» «Est puni des mêmes peines le fait de fournir à une puissances étrangère, à une entreprise ou une organisation étrangère ou sous contrôle étranger ou à leurs agents les moyens d,entreprendre des hostilités ou d,accomplir des actes d,agression contre la France.»

همکاری با سازمان‌های خارجی مشمول ماده قانونی مذکور واقع نگردد. به جهت پرهیز از چنین محدودیتی بوده که قانون‌گذار فرانسوی از عبارت «قدرت یا سازمان خارجی یا عوامل آنها» در مواد قانونی متعدد ناظر بر جاسوسی استفاده کرده است. از طرف دیگر قانون جزای فرانسه، دامنه شمول تحقق این جرم را تنها به دولت‌هایی که دارای روابط خصمانه با این کشور هستند، محدود نکرده است. این محدودیت به دلیل به‌کارگیری قید «متخاصم» در ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی در حقوق کیفری ایران وجود دارد. در این راستا به نظر می‌رسد حذف اصطلاحات غیر ضرور «دولت» و «متخاصم» در ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی و نیز «تخلیه اطلاعاتی» و «دشمن» در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی بسیار منطقی باشد.

ب) عدم شمول جرم‌انگاری جاسوسی نسبت به جنبه‌های مختلف امنیت:
 جاسوسی یکی از مصادیق جرائم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور است که با توجه به ماهیت اطلاعات به‌دست آمده، شامل جاسوسی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی می‌شود. پاره‌ای از کشورها با استفاده از اصطلاحات جدید، تلاش خود را در راستای توسعه دامنه جرم‌انگاری برخی جرائم به کار بسته‌اند. برای مثال قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۴ با استفاده از عنوان «لطمات علیه منافع اساسی ملت» به جای عنوان «لطمات بر امنیت دولت» دامنه جرم‌انگاری جرائم جاسوسی و خیانت به کشور را به شکل قابل ملاحظه‌ای توسعه داده است. ماده ۱ - ۴۱۰ قانون جزای فرانسه در مقام تدوین و تشریح منافع اساسی ملت مقرر داشته است: «منافع اساسی ملت به معنایی که در مقررات این عنوان به‌کار رفته شامل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت کشور، حفظ شکل تأسیسات جمهوری، حفظ وسایل دفاعی کشور، حفظ دیپلماسی کشور، حفظ و حمایت از افراد جامعه در داخل یا خارج، تأمین تعادل و آرامش در محیط زیست و اطراف آن و نیز حفظ و حمایت از اصول اساسی توانایی ملت در امور علمی، اقتصادی و میراث فرهنگی است.»^۱ درک حقوقی بهتر و ساده‌تر از منافع اساسی ملت و

1. N.C.P. art 410-1: "Les intérêts fondamentaux de la nation s'entendent au sens du présent titre de son indépendance, de l'intégrité de son territoire, de sa sécurité, de

نیز ارائه طریق برای سایر جرائم علیه امنیت تا بر اساس منافع فهرست شده در ماده مذکور شکل گیرند، از جمله دلایلی است که پاره‌ای از حقوق‌دانان فرانسوی در زمینه ضرورت تغییر عنوان بالا به آن استناد کرده‌اند (Mayaud, 2016: 629).

اگر تا پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات جدید فرانسه، جرائم فوق‌الذکر تنها محدود به دامنه‌های سیاسی و امنیتی بوده است، ولی در قانون مجازات جدید این کشور، دامنه این جرائم به قلمروهای علمی، فرهنگی، اقتصادی و نیز محیط زیست توسعه یافته است. تدوین مقررات حمایتی از اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی شده یک کشور به این دلیل صورت می‌گیرد که افشاء و یا انتقال این اطلاعات و اسرار می‌تواند آسیب‌های شدیدی را برای منافع آن کشور به وجود آورد.

قانون‌گذار در ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی کسب اطلاعات را منحصر در اطلاعات سیاسی، نظامی و امنیتی کرده است و با توجه به تقسیم‌بندی گفته شده مفاد این ماده شامل اطلاعات علمی و اقتصادی نمی‌شود. حتی برخی از نویسندگان حقوقی به کار بردن کلمه «نقشه» در این ماده را نقشه‌هایی می‌دانند که از نظر سیاسی، نظامی و امنیتی اهمیت داشته و از اسناد محرمانه محسوب گردد (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۳۸۹-۳۸۸). برخی عقیده دارند که اماکن ممنوعه، مکان‌هایی است که حاوی اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی باشد (زراعت، ۱۳۸۳: ۶۵۵). این در صورتی است که کسب اطلاع از اسرار علمی می‌تواند ضررهای غیرقابل جبرانی به کشور وارد کند که می‌توان دسترسی به اطلاعات هسته‌ای در نیروگاه‌ها را یکی از مصادیق آن دانست.

ج) تحدید موضوع جاسوسی: سیاست کیفری ایران در زمینه موضوع این جرم به تصریح ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی و بند ب ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، «محدود به اطلاعات» شده است. در مقابل سیاست کیفری برخی کشورها از جمله سوریه و فرانسه در زمینه این مصداق از جاسوسی، علاوه بر اطلاعات

la frome républicaine de ses institutions, des moyens de sa défense et sa diplomatie, de la sauvegarde de sa population en France et à l'étranger, de l'équilibre de son milieu naturel et de son environnement et des éléments essentiels de son potentiel scientifique et économique et de son patrimoine culturel. »

و اسناد، شامل «اموال مادی» نیز می‌شود. توضیح آنکه قانون‌گذار فرانسه در ماده ۷ - ۴۱۱ فرانسه، علاوه بر این که درباره موضوع‌ها این جرم به اسناد و اطلاعات اشاره می‌کند، به موازات آن از اصطلاح «اشیاء»^۱ نیز بهره گرفته است. این اصطلاح در فرهنگ‌های حقوقی به معنای «اموال مادی قابل لمس» آمده است. (Cornu, op.cit: 545) بر این اساس برخی از نویسندگان حقوقی با استناد به استفاده قانون‌گذار فرانسه از این تعبیر، جمع‌آوری مواد منفجره و یا اسلحه به قصد تسلیم به دشمن را نیز مصداقی از جاسوسی دانسته‌اند (ریاض‌الخان، ۱۹۹۴: ۱۲۰).

همین رویکرد را قانون‌گذار سوریه در ماده ۲۷۱ قانون مجازات سوریه دارد که صراحتاً اشیاء را در زمره موضوع جاسوسی پذیرفته است. در نظام حقوقی آمریکا نیز در قلمرو جاسوسی اقتصادی و بر اساس ماده ۱۸۳۱ مصوب ۱۹۶۰، موضوع جاسوسی می‌تواند ملموس و عینی و یا غیرملموس و غیرعینی باشد (نجفی توانا و امینی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

لزوم طبقه‌بندی بودن اطلاعات و اسرار نیز می‌تواند جرم‌انگاری بزه جاسوسی از نظر رکن مادی را دچار محدودیت مضاعف شده نماید. لزوم طبقه‌بندی اطلاعات (محرمانه، خیلی محرمانه، سری، به‌طور کلی سری) که در ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یکی از شرایط موضوع جاسوسی ذکر شده، در مقررات برخی از کشورهای دیگر مشاهده نمی‌شود. برای مثال در ماده ۷-۴۱۱ قانون مجازات عمومی فرانسه، قانون‌گذار با پذیرش یک معیار نوعی بیان کرده که موضوع جاسوسی در این ماده، محدود به اطلاعات و اسنادی است که افشاء یا جمع‌آوری آنها برای منافع اساسی ملت فرانسه نوعاً ضریبار باشد؛ بنابراین هر اطلاعاتی که برای منافع سیاسی - امنیتی، اقتصادی، علمی و فرهنگی مردم فرانسه نوعاً ضریبار باشد می‌تواند موضوع جاسوسی قرار گیرد، هرچند که آن اطلاعات محرمانه نباشد (Mayaud, 2016: 420).

د) عدم بهره‌مندی از ظرفیت جرم‌انگاری‌های جدید: نظام‌های حقوق کیفری، راه‌کارهای متعدد و متفاوتی را در اختیار دارند تا قلمرو جرم‌انگاری را برای ساماندهی مبارزه علیه جرائم، دچار قبض یا بسط کنند. در زمره این راه‌کارها استفاده از ابزار جرم‌انگاری‌های جدید، برای انطباق هرچه بیشتر مقررات با تحولات جدید جرائم است. در واقع به همان میزان که دامنه جرم‌انگاری جرائم علیه اموال و اشخاص مشمول سیاست‌های عقب‌نشینی حقوق کیفری قرار گرفته‌اند، جرم‌انگاری جرائم خطرآفرین علیه امنیت کشور همچون جاسوسی به جرم‌انگاری‌های توسعه‌مدار و تهاجمی متمایل شده است. در حقوق کیفری ایران، علاوه بر آنکه جرم‌انگاری جرائم جاسوسی (موضوع مواد ۵۰۱، ۵۰۲ و ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی) از سال ۱۳۰۴ تاکنون دچار هیچ تغییر محتوایی و مبنایی نشده است، قانون‌گذار هیچ اقدامی در راستای استفاده از ابزار و روش جرم‌انگاری‌های جدید نیز نکرده است. این در حالی است که در سایر کشورهای دیگر از این ابزار به خوبی برای مبارزه با بزه جاسوسی یا جرائم دیگر استفاده می‌کنند. در همین راستا قانون‌گذار فرانسه به جرم‌انگاری جرائم «اشتغال به یک فعالیت برای دریافت یا ارائه اطلاعات (موضوع ماده ۸-۱۱۱) و نیز فراهم کردن اطلاعات نادرست برای مقامات مسئول (موضوع ماده ۱۰-۱۱۱) روی آورد. به نظر می‌رسد اقتباس چنین جرم‌انگاری‌هایی در دفاع از امنیت کشور می‌تواند قابل دفاع باشد.

۳. عدم تأثیرگذاری جایگاه و موقعیت افراد بر مجازات مرتکبان: هرچند تسلیم اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده به افراد فاقد صلاحیت و دول بیگانه توانسته است به عنوان یکی از مصادیق جاسوسی در مقررات جزایی اکثر کشورها راه یابد ولی شرایط تحقق عنصر مادی این جرم در تمامی کشورها یکسان نیست. اینکه آیا سیاست کیفری ویژه و خاصی در زمینه تأثیر نقش و موقعیت انتقال دهنده و گیرنده این اطلاعات و اسناد، در مقررات جزایی دنبال شده است؟ از جمله پرسش‌هایی است که پاسخ به آن می‌تواند سیاست‌های کیفری متفاوت موجود در مقررات جزایی کشورها را آشکار سازد. انتقاد دیگری که نسبت به ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی می‌توان مطرح

ساخت، آن است که قانون‌گذار در حقوق کیفری ایران، به اعمال سیاست کیفری یکسان در زمینه انتقال‌دهندگان اطلاعات و اسناد روی آورده است.

در واقع برای مقنن از جهت اعمال مجازات تفاوتی ندارد که چه کسی اطلاعات را به افراد فاقد صلاحیت انتقال داده است. از این روست که اشاره نکردن قانون‌گذار به نحوه دست‌یابی به اسرار و نقشه‌ها و تصمیم‌ها و نیز به کارگیری عبارت «قرار دهد» در ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی. سبب تمایل برخی از حقوق‌دانان به دیدگاهی شده است که اعتقاد دارد باید در ابتدا موضوع‌های این جرم در اختیار مرتکب بر حسب وظیفه قرار داده شده باشد تا در مرحله بعدی آن‌را به دیگری واگذارد (پیمانی، ۱۳۹۴: ۲۳). تفسیری که دامنه وقوع این جرم را محدود به کارمندان و مأموران دولتی خواهد کرد. این دیدگاه اگرچه در درون خود اشاره درستی به ضعف تقنینی مقررات یاد شده در زمینه اتخاذ سیاست کیفری یکسان در زمینه انتقال دهندگان اسرار و اسناد محرمانه دارد ولی به دلیل نداشتن مطابقت این تفسیر با الفاظ کلی و عام به‌کار رفته در این ماده قانونی، به درستی مورد انتقاد نیز قرار گرفته است (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

قسمت پایانی ماده ۵۰۵ نیز با عبارت «در غیر این صورت» موجب اختلاف نظر میان حقوق‌دانان شده است. برخی نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده علاوه بر داشتن قصد برهم زدن امنیت، باید انگیزه تسلیم به دیگران را نیز داشته باشد. بر این اساس در صورتی که تمامی این شرایط محقق گردد و مرتکب موفق به تسلیم اطلاعات شود به مجازات دو تا ده سال و در صورتی که موفق به تسلیم اطلاعات نشود، به یک تا پنج سال محکوم می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۹؛ شامبیانی، ۱۳۹۳: ۱۶۱؛ پوربافرانی، ۱۳۹۰: ۸۸؛ زراعت، ۱۳۹۰: ۱۱۰). برخی دیگر از حقوق‌دانان این عبارت را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که اگر مرتکب انگیزه تسلیم اطلاعات به دیگران را داشته باشد و موفق به انجام عمل تسلیم گردد به مجازات دو تا ده سال و در صورتی که انگیزه تسلیم اطلاعات را به دیگری نداشته باشد یا داشته باشد، ولی نتواند، به مجازات یک تا پنج سال محکوم خواهد شد (پیمانی، ۱۳۷۵: ۳۷).

متأسفانه همچنان ما با این خلأ تقنینی مواجه هستیم که اگر فردی به قصد برهم زدن امنیت عمومی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده کرده و انگیزه تسلیم اطلاعات به دیگری را نداشته باشد، چگونه مجازات کنیم و این امر خود می‌تواند راه فرار را برای مرتکب این جرم فراهم کند، در حالی که او با انبوهی از اطلاعات که ممکن است حیات کشور بدان وابسته باشد بدون مجازات رها شود. قانون‌گذار باید مدبرانه و عقلایی یک سیاست کیفری سنجیده در این مورد به کار بندد تا راهی برای فرار افراد در این گونه جرائم باقی نماند.

نارسایی دیگری که در مواد قانونی ناظر بر جاسوسی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، از جهت میزان و کیفیت پاسخ‌های کیفری ناظر بر این جرم است. به نظر می‌رسد عملکرد قانون‌گذار از جهت تعیین اعمال مجازات در مواد مربوط با جاسوسی، از چند جهت قابل تأمل به نظر می‌رسد. نخست آنکه میزان کیفر تعیین شده در مواد ۵۰۵ (دو تا ده سال و یا یک تا پنج سال)، ۵۰۱ (یک تا ده سال) و ۵۰۳ (شش ماه تا سه سال) برای بزه مهمی چون جاسوسی، بسیار نامتناسب با اهمیت و شدت خطرآفرینی آن برای امنیت کشور و افراد جامعه است. در واقع، قانون‌گذار کیفرهای ناظر بر بزه جاسوسی را بسیار کمتر از برخی سرقت‌های تعزیری و تاحدودی معادل بزه کلاهبرداری دانسته است. دوم آنکه حداقل مجازات تعیین شده برای جاسوسی بسیار کم بوده و با شیوه قانون‌گذاری که در ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی به کار رفته است، این امکان وجود خواهد داشت که کسی که مرتکب دو عمل جمع‌آوری اطلاعات (موضوع ماده ۵۰۵) و انتقال اطلاعات (موضوع ماده ۵۰۱) شده باشد، مشمول قسمت اخیر ماده ۵۰۵ قرار گیرد و به مجازات برای مثال پنج سال (از بین دو تا ده سال) و فردی که تنها انتقال اطلاعات داده باشد، بر اساس ماده ۵۰۱ ق.م.ا (یک تا ده سال) برای مثال به هفت سال حبس محکوم شود، که با عدالت ناسازگاری خواهد داشت.

بدیهی است مقنن شایسته است با حذف قسمت اخیر از ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی فقط ماده مزبور را اختصاص به جمع‌آوری اطلاعات دهد و کسی را که انتقال

اطلاعات می‌دهد فقط در شمول ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد و در این میان اگر هر دو جرم از سوی یک نفر انجام شود با توجه به رویکرد جدید ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، (اعمال مجازات اشد)، از ناعدالتی در تعیین مجازات جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۴- **عدم جرم‌انگاری معاونت در جرم به شکل مستقل:** از دیرباز، معاونت در جرم بر مبنای رویکرد «عاریه‌ای» یا «استقلالی» مورد پذیرش نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. اکثریت کشورها جرم‌انگاری عمل معاون را بر مبنای رویکرد عاریه‌ای مورد پذیرش قرار داده‌اند که در نتیجه آثاری را از نظر حقوقی برای حقوق کیفری آن کشورها به همراه داشته است. نخست آنکه تا زمانی که عمل مباشر شروع نشده عمل معاون قابل مجازات نیست و دیگر آنکه عمل معاون زمانی قابل مجازات است که عمل مباشر دارای وصف مجرمانه باشد. در واقع بر مبنای دیدگاه عاریه‌ای، عمل معاون وصف مجرمانه را به صورت کامل از مباشر جرم عاریه گرفته و به تنهایی قابل مجازات نیست؛ به عبارت دیگر بر مبنای این رویکرد عمل معاونی که مباشر جرم آن اقدام به شروع آن جرم نکرده و یا اساساً فاقد وصف مجرمانه بوده علی‌الاصول قابل مجازات نخواهد بود. از آنجا که وجود چنین نتیجه‌ای برای کشورها نسبت به برخی از جرائم مهم قابل تحمل نبوده است، قانون‌گذاران را بر آن داشته تا در مواردی جرم‌انگاری معاونت در جرم را به شکل مستقل و صرف‌نظر از عمل مباشر قابل مجازات بدانند. در واقع در این روش بدون آنکه قانون‌گذار رویکرد کلی خود را نسبت به پذیرش رویکرد عاریه‌ای تغییر دهد، در جرائم مهم تمایل به پذیرش نظریه استقلال از خود نشان می‌دهد. چنین رویکردی که در جرم‌انگاری جرائم علیه اشخاص و اموال کشورهای مختلف به صورت استثنایی مورد توجه قرار گرفته بود، امروزه در جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت برخی کشورهای اروپایی به شکل یک رویه معمول و غالب درآمده است. برای مثال در حقوق کیفری فرانسه قانون‌گذار در ماده ۱۱-۴۱۱ تحریک به جرائم جاسوسی را به شکل مستقل قابل مجازات دانسته است.

ماده بالا چنین مقرر می‌دارد: «تحریک مستقیم به ارتکاب یکی از جرائم پیش‌بینی شده، در این بخش از طریق دادن وعده، هدیه، اعمال فشار، تهدید یا خشونت در صورتی که تحریک، به علت شرایط مستقل از اراده مرتکب، نتیجه‌ای نداشته باشد تا ۷ سال حبس جنحه‌ای و تا یکصد هزار یورو جزای نقدی خواهد داشت». قانون‌گذار در این جرم برای تحریک به جرائم جاسوسی و خیانت به کشور صرف‌نظر نتیجه مجرمانه، مجازات مستقل تعیین کرده است.^۱ «این مجازات زمانی اعمال خواهد شد که انجام عمل تحریک، مضمول عنوان مستقل مجرمانه دیگری قرار نگیرد.»

۵. بهره‌مندی مرتکبان جاسوسی از نهادهای ارفاقی: چنانچه بارها پیش از این ذکر شد به دلیل خطرآفرینی گسترده جرائم علیه امنیت عمومی، سعی و تلاش سیاست کیفری همه کشورها همانا ایجاد بازدارندگی لازم نسبت به مرتکبان آن در مقررات ناظر بر جرائم علیه امنیت عمومی و به‌ویژه جاسوسی است. با وجود این قانون‌گذار در مقام تصویب قانون کاهش حبس تعزیری، به بهره‌مندی مرتکبان جرائم علیه امنیت از اقدام‌های ارفاقی و تخفیفی تصریح کرده است.

تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (الحاقی بر اساس ۷ قانون کاهش حبس تعزیری) چنین مقرر کرده است: «در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است.» علاوه بر این براساس تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

1. N.C.P. art 411-11: "Le fait, par promesses, offres, pressions, menaces ou voies de fait, de provoquer directement à commettre l'un des crimes prévus au présent chapitre lorsque la provocation n'est pas suivie d'effets en raison de circonstances indépendantes de la volonté de son auteur, est puni de sept ans d'emprisonnement et de 100 000 euros d'amende".

۲. تبصره الحاقی ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی: چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. رعایت نکردن مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار است.»

(الحاقی بر اساس ماده ۲ قانون کاهش حبس تعزیری)، علی‌الاصول قضات دادگاه‌ها لازم است حکم به حداقل مجازات قانونی صادر کنند و در صورت تعیین مجازات بالاتر از حداقل و ذکر نکردن دلایل آن، مشمول مجازات درجه ۴ انضباطی خواهند شد. علاوه بر این، اختیار ویژه‌ای برای قضات قرار داده شده است تا در صورت وجود جهات تخفیفی، بر اساس بندهای^۱ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی بر اساس ماده ۶ قانون کاهش حبس تعزیری)، مجازات مرتکب را تا سه درجه از نظر درجات تعیین شده کیفر سالب آزادی (بر مبنای ملاک‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی) کاهش دهند. علاوه بر این به دلیل میزان کم مجازات‌های تعیین شده در قبال جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، امکان بهره‌مندی مرتکبان جرائم یاد شده از نهادهای ارفاقی به مانند تعلیق و تعویق مراقبتی بخشی از مجازات و نیز نظارت الکترونیکی نیز بر اساس مفاد مواد «۸»^۲ و «۹»^۳ قانون کاهش حبس تعزیری نیز وجود دارد.

-
۱. ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به‌نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:
- الف: تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛
- ب: تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛
- پ: تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛
- ت: تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛
- ث: تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛
- تبصره: چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به‌موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.
۲. تبصره ۱ الحاقی ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی (بر اساس ماده ۸ قانون کاهش حبس تعزیری): «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل اعمال است.»
۳. تبصره ۲ الحاقی ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی (بر اساس ماده ۹ قانون کاهش حبس تعزیری): «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.»

در مقام تحلیل سیاست کیفری ایران در قبال جاسوسی رایانه‌ای و مقایسه آن با سیاست کیفری اعمال شده در قبال جاسوسی سنتی باید اذعان کرد که باوجود برخی از نارسایی‌های شکلی و ماهوی در جرم‌انگاری جاسوسی رایانه‌ای، سیاست کیفری قانون‌گذار در جرم‌انگاری و نیز کیفرگذاری جرائم رایانه‌ای حداقل از چندین جهت بسیار کارآمدتر بوده است. نخست آنکه برخلاف سیاست کیفری ابهام‌آمیز قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی که موجب ابهام‌های متعدد در مقام مصادیق و شرایط جاسوسی سنتی شده ولی در حیطة جرم‌انگاری جاسوسی رایانه‌ای، قانون‌گذار با تکیه بر روش احصای مصادیق قانونی (موضوع بندهای الف، ب و ج ماده «۳»^۱ قانون جرائم رایانه‌ای)، هیچ ابهام مهمی در زمینه مصادیق و شرایط جاسوسی رایانه‌ای را باقی نگذاشته است.

اعمال کیفرگذاری متفاوت، بسته به موقعیت تحویل گیرنده داده‌های سری (موضوع بندهای ب و ج ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای) نیز از دیگر سیاست‌های کیفری مطلوب قانون‌گذار در زمینه جاسوسی رایانه‌ای است. از این رو هرگاه داده‌های سری تحویل افراد فاقد صلاحیت شود، مرتکب مشمول مجازات دو تا پنج سال (موضوع بند ب ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای) و هرگاه در دسترس دولت، سازمان، شرکت، یا گروه بیگانه قرار گیرد (موضوع بند ج ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای) به مجازات پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

علاوه بر این مقایسه شیوه تدوین و تنظیم قانون‌گذار در مقام جرم‌انگاری جاسوسی غیرعمدی سنتی (ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی) و رایانه‌ای (موضوع ماده ۵^۲ قانون

۱. ماده ۳ قانون جرایم رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «هر کس به‌طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری درحال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات های مقرر محکوم خواهد شد:

الف: دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات)

ب: در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال

۲. ماده ۵ قانون جرائم رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا رعایت‌نکردن تدابیر امنیتی موجب

جرائم رایانه‌ای) نشان‌گر سیاست کیفری کاهش قیود تقنینی در قبال جاسوسی رایانه‌ای غیرعمدی است و از این رو تحقق بی‌مبالاتی از سوی مأموران دولتی در افشاء یا در دسترس قرار دادن داده‌های سری موکول به شروط «تخلیه اطلاعاتی» از سوی «دشمن» نشده است.

اقدام شایسته قانون‌گذار در مقام حمایت از داده‌های سری رایانه‌ای و مخابراتی از طریق جرم‌انگاری مانع در این زمینه که همانا نقص تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی (موضوع ماده «۴»^۱ قانون جرائم رایانه‌ای) است را نیز باید سیاست کیفری سنجیده دیگر در جرم‌انگاری جاسوسی رایانه‌ای تلقی کرد.

باوجود سیاست‌های کیفری کارآمد ذکرشده که لازم است جرم‌انگاری بدون سوءنیت خاص را نیز به آنها اضافه کرد، قانون‌گذار می‌توانست با اتخاذ سیاست‌های کیفری دیگری به مانند جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی رایانه‌ای و نیز تأثیرگذاری موقعیت انتقال‌دهنده داده‌های سری در مقام کیفرگذاری مرتکب (از نظر ماهوی) و همچنین ضرورت ارائه تقسیم‌بندی‌های سنجیده شکلی تقنینی (از نظر شکلی)، می‌توانست کیفیت جرم‌انگاری در جاسوسی رایانه‌ای را ارتقای بیشتری بخشد. ارایه مثال در زمینه ایراد شکلی آن است که باوجود آنکه قانون‌گذار مبحث سوم قانون جرائم رایانه‌ای را به جاسوسی رایانه‌ای اختصاص داده ولی در مبحث دوم و در قالب مبحثی جداگانه دوباره ذیل عنوان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها مواد قانونی را تنظیم کرده است.

دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

۱. ماده ۴ قانون جرائم رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

نتیجه‌گیری

۱) حقوق کیفری راهبردهای متفاوتی را در زمینه جرم‌انگاری جرائم مختلف به کار می‌بندد. ماهیت، نوع و ویژگی‌های جرم‌انگاری علیه امنیت در حقوق کیفری دارای تفاوت‌های عمده با جرم‌انگاری سایر جرائم است. با توجه به این تفاوت‌ها حتی می‌توان نوع جرم‌انگاری و قانون‌گذاری موجود در این زمینه را عکس حالت و وضعیتی دانست که در این ارتباط نسبت به سایر جرائم وجود دارد. از این رو در حالی که در قلمرو سایر جرائم تمایل به ایجاد سیاست جنایی متنوع و مشارکتی به همراه رویکرد جرم‌انگاری حداقلی مشاهده می‌گردد، در قلمرو جرائم علیه امنیت از طریق راهکارهای متعدد و متفاوت، اهتمام ویژه‌ای در به‌کارگیری نوعی از جرم‌انگاری حداکثری و توسعه‌طلب به کار رفته است.

۲) توسعه دامنه جرم‌انگاری می‌تواند از طریق راهکارهایی چون تغییر در اوصاف مجرمانه، گسترش موضوع‌های عمل مجرمانه و نیز جرم‌انگاری‌های جدید صورت پذیرد. راهکارهایی که سایر کشورها به مانند فرانسه از آن بهره‌مند شده است. از این روست که بزه جاسوسی و خیانت به کشور در ظهور جدید خود در قانون جزای جدید فرانسه، هم‌زمان تحت تأثیر تمامی عوامل بوده است. طرح نوین «منافع اساسی ملت فرانسه» در قانون جزای جدید، دامنه جرم‌انگاری بسیاری از مصادیق جاسوسی را در حقوق این کشور تا حوزه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی توسعه داده است. از این رو برخی از مصادیق جاسوسی مانند جمع‌آوری و یا تسلیم اطلاعات و اسناد در حقوق این کشور به تصریح متون قانونی و بر خلاف گذشته، محدود به قلمروهای نظامی و امنیتی نیستند.

در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار فقط جنبه‌های محدود امنیتی را مورد نظر داشته و تنها با توجه به معیار «خطرآفرینی علیه دولت»، جرم‌انگاری بزه جاسوسی را صورت داده است. پیشنهاد نخست به قانون‌گذار آن است که با پذیرش توسعه موضوع جاسوسی از اطلاعات طبقه‌بندی شده سیاسی امنیتی به مطلق اطلاعات سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی - که می‌تواند برای منافع مردم و دولت خطرناک باشد - زمینه حمایت کامل‌تر از امنیت کشور را فراهم کند. در همین راستا ذکر اقسام جنبه‌های مختلف امنیت در مواد ۵۰۱ و ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی و نیز اضافه کردن «اشیاء» نیز می‌تواند به جامعیت مقررات یاد شده کمک شایانی کند.

برخلاف حقوق فرانسه، تحول خاصی در زمینه بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران مشاهده نمی‌گردد. قانون‌گذار در دوران پس از انقلاب با اعمال برخی تغییرهای جزئی همان مصادیق مذکور در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ را در قوانین بعد از انقلاب نیز مطرح کرده است. مقایسه اوصاف، ارکان و مصادیق مجرمانه جاسوسی در حقوق کیفری ایران و فرانسه نشان می‌دهد که تا چه اندازه دامنه جرم‌انگاری این دو کشور با یکدیگر متفاوت است.

۳) پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با توجه به مشکلات امنیتی کشور، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدیدی در زمینه بزه جاسوسی کند و در کنار آن با تکیه بر روش احصای قانونی، صراحتاً مصادیق بزه جاسوسی را در متون قانونی اعلام کند تا از بروز اختلاف نظر و دیدگاه‌های حقوقی در این باره بکاهد. پذیرش صریح نظریه «ملیت» در مقام تفکیک بزه جاسوسی از خیانت به کشور از سوی مقنن نیز می‌تواند به تقلیل ابهام‌های موجود کمک فراوانی کند. علاوه بر این نگارنده بر این اعتقاد است که به‌کارگیری قانون‌گذار از الفاظ غیرضرور و قیود متعدد در توصیف جزایب بسیاری از جرائم علیه امنیت، از نارسایی‌هایی است که در زمینه مقررات ناظر بر جاسوسی نیز مشاهده می‌شود. از این رو می‌توان به حذف برخی از قیود مذکور در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی (تخلیه اطلاعاتی و دشمن) و نیز ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (متخاصم)، برای تحقق سیاست کیفری سنجیده اقدام کرد.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰)، حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: جنگل.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۵)، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی با تجدیدنظر کامل بر اساس قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، تهران: میزان.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و قاسم کرامت (۱۳۸۹)، «جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده»، مجله حقوق، دوره ۴۰، ش ۱۰۵-۱۲۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲)، لغت‌نامه، ج ۷ و ۱۶، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲)، لغت‌نامه، ج ۷ و ۱۶، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۴)، «جاسوسی و خیانت به کشور»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۸.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، ج ۳، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی تطبیق در قانون جزای فرانسه، لبنان، اردن و ایران، تهران: ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۰)، حقوق جزای اختصاصی، ج ۳، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: جنگل.
- ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، جاسوسی و خیانت به کشور، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- السان، مصطفی (۱۳۸۷)، «جرائم علیه اسرار تجاری»، مجله حقوق، ش ۲۳، دوره ۳۸، صص: ۱-۴.
- سمیعی‌فر، سعیده (۱۳۹۷)، «کلاهبرداری رایانه‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دامغان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی، تهران: ژوبین.

- عمید، حسن (۱۳۷۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: ماجد.
- مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه امنیت، تهران: میزان.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۵)، حقوق جزای اختصاصی، جرائم رایانه‌ای در حقوق ایران، تهران: میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۸)، «جرم جاسوسی»، ماهنامه دادرسی، سال سوم، ش ۱۸، ۵۵-۵۲.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۸)، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان.
- نجفی توانا، علی و فهیم مصطفی‌زاده (۱۳۹۲)، «جرم‌انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۸، سال پنجم، ۱۶۹-۱۴۹.
- نجفی توانا، علی و محمد امینی (۱۳۹۰)، «حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال آمریکا»، مجله حقوق اسلامی، سال هشتم، ش ۲۹، ۱۵۳-۱۸۱.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، «جرم‌شناسی»، تقریرات دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، «از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی»، تقریرات دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۳)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات شهید بهشتی.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۱)، حقوق جزای اختصاصی، ج ۳، جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، تهران: غروب.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۵)، «نگاهی به گزارش شور اول طرح اصلاح و الحاق موادی به فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی»، مجله حقوق عدالت آراء، ش ۴ و ۵، ۲۳۵-۲۲۳.

هوساگ، داگلاس (۱۳۹۰)، *جرم‌انگاری افراطی*، ترجمه محمدتقی نوری، تهران: انتشارات مجد.

- Bouloc (Bernard) et Myaud (Yves). (1996). Code pénal Comment Paris, Dalloz.
- Cornu (Gérard), (sous la dir.de). (1992). Vocabulaire juridique, Paris, 3eéd. PUF
- Desportes (Frédéric) et Francis le Gunehec. (2008). Droit pénal général, Paris, 9eéd, Economica.
- Leclerc (Henri). (2013). Le nouveau code pénal, Paris, 3eéd, Seuil.
- Larguier (Jean) et Philippe (Conte) et Anne – Marie larguier. (1994). Droit pénal spécial, 8eéd Dalloz.
- Larguier (Jean) et Anne – Marie larguier. (1994). Droit pénal spécial, 8eéd, Dalloz.
- Mayaud (Yves). (2016). Code pénal, Paris, 102eéd, Dalloz.
- Pelletier (Hervé) et Jean Perfetti. (2003). Code pénal, Paris, Litec, Litec.
- Pradel (Jean) et Michel Danti – Juan. (2001). Manuel de droit pénal spécial, Paris, 2eéd, Cujas.
- Rassat (Michèl – Laure). (2014). Droit pénal spécial, Paris, 7eéd, Dalloz.